

چرا انقلاب؟

تحلیل و تفسیر بر ایدئولوژی و انقلاب



عنوان: چرا انقلاب؟ تحلیل و تفسیری بر ایدئولوژی و انقلاب

نویسنده: دکتر ابراهیم سعدی پور

تهران: ۱۳۸۷

انتشارات یادآوری کتاب، ۲۰۰ صفحه

دکتر مجید کاشانی / عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز

و نقدی بر نظریات آنها نیز انجام گرفته است. کتاب مذکور شامل چهار فصل: تعریف انقلاب، خشونت و انقلاب، آزادی و انقلاب، ایدئولوژی و انقلاب می‌باشد و در انتهای کتاب نیز خلاصه‌ای از زندگی و اندیشه‌ی متفکران مطرح در کتاب آورده شده است.

در **فصل اول** نویسنده به تعاریف انقلاب از دیدگاه‌های مختلف پرداخته است. اشاره شده که انقلاب یک حرکت دورانی است که در سیاست به تغییر ناگهانی در مسیر تحول اطلاق می‌شود و گاهی به شورش، عصیان، سرکشی و طغیان نیز تلقی شده است. از منظر جانسون انقلاب یک نوع تغییر است که نتیجه‌ی پیدایش عدم هماهنگی میان محیط و ارزش‌هاست. مارکس نیز انقلاب را

در این کتاب طی مقدمه‌ای تفصیلی نویسنده به بحث و بررسی در مورد علم سیاست و دیدگاه‌های مختلف در مورد فلسفه‌ی سیاسی و انقلاب‌های بزرگی مثل انقلاب علمی‌صنعتی، انقلاب سیاسی- اجتماعی در کشورهای مختلف و تحولاتی که طی آن به ثمر رسید در تعریف انقلاب به نوع بسیار ویژه‌ای از منازعه‌ی سیاسی اشاره می‌کند و از جمله نظریه‌پردازان انقلاب به الکسی توکوویل در رابطه با انقلاب فرانسه و سوروکین در رابطه با انقلاب روسیه اشاره شده است و این که نظریه‌پردازان در کشورهای جهان سوم کمتر به مسئله‌ی انقلاب پرداختند.

هدف از نوشتن این کتاب تغییر و تحلیل انقلاب و ایدئولوژی عنوان شده است که سعی شده از نظریات متفکران در این زمینه استفاده شود

شکل‌گیری انقلاب می‌پردازد و معتقد است در جریان آزادی خواهی، نظم و قانون در جامعه پایمال می‌شود. آزادی را به دو قسمت مثبت و منفی تقسیم کرده است و سپس به جنبش‌های آزادی‌بخش مؤثر در انقلاب می‌پردازد.

در **فصل چهارم** تحت عنوان ایدئولوژی و انقلاب نویسنده چهار مالک تقسیم‌بندی برای ایدئولوژی‌ها ارائه کرده است و اینکه ایدئولوژی نقش مهمی در انقلاب و پیدایش آن دارد و مایه اصلی ایدئولوژی انقلابی را در افسانه می‌داند و به بررسی و تبیین فلسفی-اجتماعی ایدئولوژی می‌پردازد و آن را جزئی از فرهنگ جوامع بشری می‌داند

در پایان کتاب نیز نویسنده به خلاصه‌ای از زندگی و اندیشه‌ی متفکران مطرح شده در جامعه‌ی جهانی از جمله آدام اسمیت، آرنه‌هانان، این‌خلدون، فریدریش و... پرداخته است.

نقد و بررسی

۱. در این کتاب بیشتر از آن که نویسنده به بررسی خود انقلاب بپردازد به مسائل پیرامونی پرداخته شده است.
۲. کتاب بهتر بود برای جلوگیری از سردرگمی خواننده ابتدا از مسائل ریزتر و پایداری مثل ایدئولوژی و خشونت و سپس آزادی و منش هر یک در به وجود آمدن انقلاب بپردازد.
- ۳- کتاب فاقد صفحه‌بندی و از پاراگراف‌بندی زیاد تشکیل شده است و بیشتر به یک دست نوشته شبیه است (از نظر شکل ظاهری)
- ۴- در مقابل ضعف ذکر شده، کتاب از فهرستی منسجم و منطقی و موزون برخوردار است که دسترسی به مطالب را آسان کرده است.
- ۵- عنوان کتاب تحلیل تفسیری بر ایدئولوژی و انقلاب است در حالی که فقط یک فصل (فصل چهارم) آن به این امر اختصاص یافته است.
- ۶- در بسیاری از موارد نیاز به توضیح در پاورقی لازم است و کتاب فاقد آن است. در کل این اثر فاقد پاورقی مناسب است گرچه از منابع نسبتاً خوبی استفاده شده که در پایان کتاب به شیوه‌ی کتابنامه آمده است ولی این امر کتاب را از داشتن پاورقی بی‌نیاز نمی‌کند.
- ۷- شیوه‌ی نگارش ضعیف که اغلب به شیوه‌ی گفتاری با کلمات نوشتاری ارائه شده است. (ص ۵۵)

مظهر منازعه‌ی طبقاتی و پدیده‌ای خشونت‌بار می‌داند. در تبیین جامعه‌شناسی انقلاب نیز به نظریات جانسون، دورکیم، مارکس، کاتوستکی، پاره تو، ارنه‌ت می‌پردازد در تبیین روانشناسی انقلاب به عوامل و مسائل زیستی در شکل‌گیری انقلاب توجه می‌کنند در نتیجه عواملی مانند سرکوب، محرومیت نسبی، غریز، زیادی رفاه می‌دانند. در تمام انقلاب‌ها مشخصه‌ها و خصایصی وجود دارد که باعث تشابه در انقلاب‌ها می‌گردد. نویسنده در پایان به بیان ویژگی‌هایی که باعث تشابهات در انقلاب‌ها می‌گردد، می‌پردازد.

نویسنده در **فصل دوم** به بررسی و بحث در مورد این که خشونت چیست می‌پردازد و می‌گوید: خشونت زمانی ایجاد می‌شود که اعتراض و شکل دیگرش رو به کاهش رود و معلول ناکام ماندن قوه‌ی عمل در جهان است و این که آیا خشونت ارزشی مثبت در جامعه تلقی می‌شود یا خیر؟ و علاوه بر آن جامعه‌شناسان معتقدند که در جامعه دموکراتیک خشونت کمتر است و از خشونت به سلاح اصلاح نام برده شده تا سلاح انقلاب و به این مسئله توجه دارد که خشونت و قدرت در تضاد با یکدیگر هستند. خشونت در جایی پدید می‌آید که قدرت در مخاطره باشد و به علاوه به واژه‌ی تروریسم نیز اشاره شده است و به نظریه‌های پژوهشگران در مورد رابطه‌ی خشونت و انقلاب پرداخته شده است.

در **فصل سوم** نویسنده به جریان آزادی‌خواهان و نقش آنها در



نویسنده در **فصل دوم** به بررسی و بحث در مورد این که خشونت چیست می‌پردازد و می‌گوید: خشونت زمانی ایجاد می‌شود که اعتراض و شکل دیگرش رو به کاهش رود و معلول ناکام ماندن قوه‌ی عمل در جهان است و این که آیا خشونت ارزشی مثبت در جامعه تلقی می‌شود یا خیر؟ و علاوه بر آن جامعه‌شناسان معتقدند که در جامعه دموکراتیک خشونت کمتر است و از خشونت به سلاح اصلاح نام برده شده تا سلاح انقلاب و به این مسئله توجه دارد که خشونت و قدرت در تضاد با یکدیگر هستند.